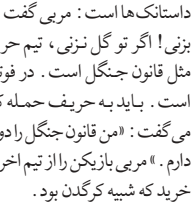


خبرها

تازه‌های انتشارات فرهنگ گستر

انتشارات فرهنگ گستر در مجموعه کتاب های سیب دست به انتشار داستانک‌هایی در دوازده جلد زده است. نویسنده این مجموعه محمدرضا یوسفی است و کتاب‌ها هم‌کالسی‌ها، ژژال‌ها، فوتبالیست‌ها، اناری‌ها، هزار پاهای، صندلی‌ها، گرگ‌ها، کلاغ‌ها، دزدها، گنجشک‌ها و اسب‌ها است. اولین کتاب این مجموعه ژژال‌ها است که پس از سال‌ها طبق گفته ناشر آماده چاپ شده است. اولین داستان این مجموعه به نام «دوست دارم» در دو خط شکل می‌گیرد: ژژالی آمد به خانه ی بگوید دوست دارم، گل‌وله‌ای شلیک کرد و خانم نقش زمین شد!

هزمان با جام جهانی و تب فوتبالیست شاید کتاب فوتبالیست‌ها هم خالی از لطف نباشد که حول و حوش توپ و فوتبال و بازیکنان است. «قانون جنگل» اسم یکی از داستانک‌ها است: مری گفت: تا فرصت باقی است باید گل بزنی! اگر تو گل نزنی، نیم حریف گل می‌زند. قانون فوتبال مثل قانون جنگل است. در فوتبال برد و باخت به یک مو بند است. باید به حریف حمله کنی! بازیکنی فریاد می‌زد و می‌گفت: «من قانون جنگل را دوست ندارم، من بازی را دوست دارم.» مری بازیکن را از نیم اخراج کردو به جای او یک بازیکن خرد که شبیه کرگدن بود.



تازه‌های انتشارات ققنوس

انتشارات ققنوس در حوزه کودک و نوجوان مجموعه‌ای سه‌جلدی با شخصیت محوری «مانولیتو» را منتشر کرده‌است. این مجموعه که با نام‌های مانولیتو، سوپر مانولیتو و رازهای مانولیتو به قلم لوریا لیندو و ترجمه فرزانه مهری به چاپ رسیده مجموعه داستان‌هایی است که برای پسری به نام مانولیتو و دوستانش اتفاق می‌افتد:

هشت سال و نیم سن دارم ولی در این چند ماه اخیر، اُقتدر ماجراهای عجیب و غریب برابم اتفاق افتاده است که نمی‌دانم کدام را تعریف کنم. خب، اینها را برایت تعریف می‌کنم: با بهترین دوستانم، یه‌داد و گوش‌کنده، گروه باکتیف‌ها را تشکیل دادیم؛ «موهای جونور را کوتاه‌کردم و شبیه راهب‌های تبتی شد؛ سوزانا شورت کتیفه‌ن‌مازد من است ولی این یک راز است؛ خانم آسانسینور در ریاضی به من صفر داده است ولی هنوز جرات نکرده‌ام موضوع را به مادرم بگویم. . .

تازه‌های انتشارات افق

نشر افق هم به تازگی کتاب‌هایی را به بازار عرضه کرده که یکی از آنها «حرف‌های چرخ خیاطی» است که شعرهای کودکانه به قلم محمدکاظم مزینانی است و تخیلات کودکانه شاعری است که از زاویه دید تخیل گر کودک به اشیا و مسائل دوروبر نگاه کرده است و به همین دلایل اشیا برای کودک حرف می‌زنند.

«یکی بد» شیطنت‌های کودکانه دختری به نام «ریکا» است که او را یکی صدا می‌زنند. یکی از پوشیدن لباس‌های دخترانه و رویان زدن به موهایش بیزار است، او اصلاً بچه بدی نیست و حتی در حین کارهای او دست بقیه هم رو می‌شود. نویسنده کتاب جراوس فین و تصویرگری آن را لیندزی گاردنر بر عهده داشته و مؤگان کلهر ترجمه فارسی کتاب را انجام داده است.



سری دوم مجموعه «قصه‌های یک جورگی» نوشته دکتر ژئوس در شش جلد با ترجمه رضی هیرمدنی توسط افق به بازار آمد. ژئوس تخیل کودکانه را به جشرب وامی‌دارد و به همین دلیل مخاطبان آثاری در هر سن و سالی که باشند و با هر فرهنگ و زبانی می‌توانند با نوشته‌های او ارتباط برقرار کنند. این مجموعه شامل عنوان‌های زیر است: گربه با کلاه، گربه با کلاه بازمی‌گردد، اگر سیرک دست من بود، امروز سی تا ببر را داغون می‌کنم، فکرس را با یکن این چیزها را در خیابان مالبری دیدم و هورتون جوچه از تخم بیرون می‌آورد. گربه با کلاه به محض پا گذاشتن در اتاق سلی و بردارش غوغایی به پا می‌کند و تا دل‌تان بخواهد بازی و تفریح و شعبده‌بازی راه می‌اندازد.

اما شب که مامان به خانه برمی‌گردد. تکلیف خانه به‌هم ریخته چی می‌شود؟ نویسنده این کتاب‌ها دکتر ژئوس به‌خاطر نگارش فیلمنامه‌ها و قصه‌هایش، سه بار جایزه اسکار و همچنین دیپلم افتخار پولیتزر را به‌خاطر یک عمر آموزش و شادی‌آفرینی برای بچه‌ها، پدرها و مادرها دریافت کرد. «کلبه عمو تم» از سری رمان‌های جاویدان جهان توسط همین ناشر با ترجمه محسن سلیمانی و به صورت کوتاه‌شده در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. این رمان با قلم «هریت پیچر استو» در زمان انتشار در آمریکا انقلابی به‌وجود آورد. ترجمه این کتاب شخصاً برای گروه سنی نوجوان در نظر گرفته شده تا اثر و ترجمه روان و در نظر گرفتن حوصله خواننده امروز در اختیار مخاطبان قرار گیرد.

با‌هایت را کجا‌جا گذاشتی، هر قاصدکی یک پیامبر است و چای با طعم خدا نام سه اثر جدید از عرفان نظرآهاری است که توسط افق منتشر شده است.

دلتنگی‌های بچه‌های خیابان‌های سرد

نگاهی به کتاب بچه‌های خاک نوشته محمدرضا یوسفی

اغلب داستان‌های مربوط به نوجوانان روایتی از زندگی طبقه متوسط شهری است. به همین دلیل موضوع بسیاری از آنها بازگویی دغدغه‌های اخلاقی و نصیحت‌های بزرگسالانه است. دنیایی که همواره صورت شیرین‌تر حوادثش توصیف می‌شود.

«بچه‌های خاک» با تمام این اوصاف داستان سیاهی نیست.

ممل با وجود همه مشکلاتی که در زندگی دارد، دست از تلاش برنمی‌دارد. با همه تنگناهایی که دارد عمل خلافی انجام نمی‌دهد.

یکی روز که با وانت حسن لاشخور برای کار به خیابان‌های بالای شهر می‌روند ممل و مریم با تماشای خانه به دغدغه‌ها و آرزوهای خود اشاره می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند تا قشنگ‌ترین خانه را پیدا کنند.

مریم خانه‌هایی را به ممل نشان می‌دهد.

«اون خونه که دودکشش تا آسمون بالا رفته.

اون که دودکش نیست.

– پس چه؟»

– نمی‌دونم، مثل به درخت آهنی می‌ونه.

اون‌چی، نگاه کن! چه در پنجره‌ای، خونه پادشاه؟»

– کدوم؟»

اون.

– پادشاه که مرد!

– پس کی تو اون زندگی می‌کنی؟»

– اهنه»

– . . .

اجنه‌ها سایه‌ای از نظام طبقاتی شهر هستند. مریم می‌گوید اجنه‌ها همون‌هایی هستند که ما را می‌کشند. با این تصویر هنرمندانه یوسفی تحلیل خود را از این فاصله طبقاتی ارائه می‌دهد، بی‌آنکه به دامن شعارزدگی‌های تمدن‌را خدشه‌دار می‌کنند. اما واقعیت آن‌است که آنها هستند.

محمدرضا یوسفی به همراه «ممل» نوجوان تنهایی که پدر و مادرش را نمی‌شناسد و از وقتی چشم باز کرده توی دم‌دستگاه «حسن لاشخور» معرکه‌گیری می‌کرده، پشتک می‌زد، تاسکی چیزی توی کاسه روزی او و جیب حسن لاشخور بیندازد ما را به تماشای جامعه‌ای می‌برد که باره‌آن را از بیرون دیده‌ایم، اما داخل آن را کمتر دیده‌ایم. و با آرزوها، غم و شادی‌های آنها آشنا نیستیم.

بچه‌های خاک، بچه‌های خوبی هستند. بزهکار نیستند، آدم‌های سالمی هستند که شرایط جامعه‌آنها را به چنین سرنوشتی محکوم کرده است.

ممل نمی‌خواهد به سرنوشت اسماعیل دچار شودو در یکی از شب‌های سرد شهر، تنها و بیمار گوشه خیابان بمیرد. به همین دلیل راه می‌افتد تا شناسنامه‌ای برای خودش دست و پا کند. شناسنامه برای او هویت است. کسی به او می‌گوید: «شناسنامه کم‌ترین چیزست که به یک‌آدم می‌دهند، تا فارقش با آدم‌های دیگر معلوم شود. تا معلوم شود که تو کی هستی و از کجا آمدی.» این سگاو و دشتی که خانم نان‌زنانی‌ها و بچه مامانی‌ها بغل شون می‌گیرن. اونا هم شناسنامه دارن. اون وقت مملی‌ما نداشته باشد. «ممل می‌داند «لورین صاحب‌او» ننه‌اقل‌س بوده. ننه‌اقل‌س هم که حالا پیر شده و توی محله اکبرآباد گدایی می‌کند می‌گوید ممل را از «مهتاب خوشگله» خریده است.

اما ممل دست بردار نیست.

محمدرضا یوسفی «ممل» را به بهانه یافتن شناسنامه و پا پدر و مادرش به لایه اجتماعی می‌برد که در کنار ما است. اما خوب آنها را ندیده‌ایم. ندیده‌ایم چون جریان رسمی ادبیات کودک و نوجوان عموماً وارد این حریم‌ها نمی‌شود.

رویکردی مدرن به افسانه‌های کهن

مروری بر افسانه سه پادشاه نوشته جعفر تونزنده جانی

عمیق‌تر به داستان می‌بخشد که با رنگی از فانتزی پوشانده شده است. افسانه سه پادشاه در فضای اسطوره‌ای، افسانه‌ای و تاریخی می‌گذرد که کنایه و اشاره‌ای به ایران و توران دارد.

در بخشی از داستان بحث کمان طلایی مطرح می‌شود و خاطره‌ای که پادشاه اورانا از این کمان به یاد می‌آورد یادآور پدربزرگ اوست که تیری می‌اندازد تا بر حیل تورانایی‌ها غلبه کند و مرز اورانا و تورانا را تعیین کند که کنایه‌ای است به آرش کمانگیر.

در بخشی دیگر از داستان شاهد تبدیل شدن پادشاه تورانا و اورانا به جانوران هستیم. پادشاه تورانا که باطنی خبیث دارد به هیئت عقاب و شیر درمی‌آید و پادشاه اورانا بدل می‌شود به کبوتر و آهو، که پادشاه تورانا در تعقیب اوست تا از میان برش دارد.

در این افسانه پادشاهان خسته‌اند از جنگ و قدرت و مقام و به دنبال دوست می‌گردند. دوستی که به او اعتماد کنند و از تنهایی دربیایند. این دو پادشاه یکدیگر را می‌یابند و به دور از چشم دولتمردان‌شان با هم قرار می‌گذارند تا آنکه رازشان فاش می‌شود و پادشاه تورانا را در قمر قصر می‌کشند و به جای او مرد خرچگی می‌آید. . .

مرد این سرزمین‌ها نمی‌توانند بدون جنگ به سر برند و جالب آنکه در زمان دوستی دو پادشاه این مردمان به مرض خطرناک «جنگکیدن» مبتلا شده‌اند و به ناچار جنگ آغاز می‌شود تا مردمان آسوده باشند و کمان‌کنند که پادشاه‌شان خائن است. داستان روایتی است از زندگی، ارتباط و جنگ و گریز پادشاه جدید برای رسیدن به قدرت و چشمه آب حیات. مرد خرچگی که به یود تبدیل شده روح خود را به شیطان می‌فروشد و میرشمس را به سگی بدل می‌کند تا راز چشمه را به دست آورد. خرچگی در حستر پادشاهی عمری را گذراند و برای تبدیل شدن به عقاب و آزار دیگران محدودیتی ندارد.

کتاب

قصه گویی به شیوه نقالی

مجموعه قصه‌های امشب نوشته محمد میرکیانی



شب‌های شیرین
محمد میرکیانی
موسسه فرهنگ
منادی تربیت
تعداد: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۵۰۰۰ تومان

نلی محجوب : قصه‌گویی هنری است دیرپا که گذر زمان و تغیر مکان و وسایل ارتباط جمعی هنوز مجال کنار زدن آن را نیافته‌اند. امروزه با وجود پیشرفت علم و با وجود فیلم‌ها و کارتون‌های متنوع و رایانه هنوز هم قصه‌گویی حرفه‌ای است که می‌تواند بسیاری از کودکان را به قصه و قصه‌خوانی طلب کند اما نمی‌توان تاثیر و کاربرد نادرست تکنولوژی را نادیده گرفت. قصه‌گویی هنری است که ارتباط مستقیم با داستان دارد و گاه برجسته‌ترین قصه‌گوهای حرفه‌ای هم قادر به گفتن هر قصه‌ای نیستند. یافتن داستان مناسب مستلزم زمان است و قصه‌گو نیازمند مطالعات خاص و دامنه اطلاعات کلامی و واژگانی قوی است و بیش از هر چیز باید بتواند مجموعه‌ای از قصه‌ها را در اختیار داشته باشد. «قصه‌های شیرین» مجموعه ۱۱۰ قصه‌ای است که برای کمک به قصه‌گویان و والدین در نظر گرفته شده. متن کتاب به گونه‌ای نوشته شده تا کسانی که اطلاعات کمی هم از قصه‌گویی دارند بتوانند به راحتی با خواندن متن کار قصه‌گویی را انجام دهند تا بتوانند صمیمت میان قصه‌گو و کودک را با شرکت در یک برنامه جمعی ایجاد نمایند. زبان داستان‌های مجموعه شب‌های شیرین به زبان گفتاری بسیار نزدیک است و در حقیقت زبان روایی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در زمان قصه‌گویی است و بسیاری از ما هنوز کلام مادربزرگ‌هایمان را به‌خاطر داریم و مقدمه و موخره‌ایی را که برای داستان به کار می‌گرفتند: «یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچ‌کس نبود» و ما غرق در دنیای داستان می‌شویم و گاه جای یکی از شخصیت‌ها قرار می‌گیریم. محمد میرکیانی نویسنده شب‌های شیرین تمام تلاش خود را در نوشتن داستان‌های این مجموعه به گونه‌ای به کار بسته تا این ارتباط در مخاطبان حفظ شود. در حقیقت این مجموعه با ساختار نقالی و افسانه‌گون و با توجه به مفاهیم خاص گروه سنی پیش‌دستان نوشته شده است. مجموعه با داستان‌های ساده‌تر آغاز می‌شود تا

خردسالان و کودکان به صورت تدریجی با پیام‌ها و مفاهیم قصه‌ها آشنا شوند. قصه‌ها به گونه‌ای است که در تمام ساعات روز قابل قصه‌گویی باشند و کتاب هم ذکر شده: «اگر در ساعتی به غیر از ساعت خواب کودک خوانده می‌شود پیامی یابنی: بالا که بود برف بود، پایین که آمد آب شد، دیگر وقت خواب شد و خواب‌های خوب بیهنی را از قصه‌گویی‌تان حذف کنید. به جای این جمله‌ها می‌توانید بگویید: بالا رفته‌یم هوا بود، پایین آمدیم زمین بود، قصه ما همین بود. در حقیقت میرکیانی سعی کرده تا به شیوه‌هایی عملی و کاربردی راهنمایی‌هایی را برای قصه‌گو در قصه‌ها در نظر بگیرد تا قصه‌گویان کم‌تجربه هم به تجربه لذت‌بخشی در قصه‌گویی دست یابند. از دیگر نقاط قوت کتاب پایان خوش داستان‌ها است به گونه‌ای که خشونت و کشمکش در هیچ قصه‌ای وجود ندارد. به ویژه پایان همه قصه‌ها امیدبخش و شادی‌آفرین است تا کودکان پیش از خواب و پس از شنیدن قصه، شبی شیرین را به دور از نگرانی‌های القا شده سپری کنند.

در حقیقت در امر قصه‌گویی یکی از نکات مهم، پایان خوش قصه‌ها است که این امر به خوبی در داستان‌های این مجموعه رعایت شده‌است. زبان قصه‌ها و واژه‌های به کار گرفته شده و لحن قصه‌گو همه و همه مواردی است که لذت قصه گفتن و قصه شنیدن را دوچندان می‌کند. در مجموعه شب‌های شیرین نویسنده با دقت و ارائه نمونه‌های عملی، قصه‌گویان و والدین را راهنمایی می‌کند و در اولین قصه این مجموعه با نام «سلام بزرگاله» هر دو شکل روایی سالم و شکسته تنظیم شده است تا مریمان با خواندن این داستان متوجه اتفاقات و تفاوت‌ها در متن محاوره و نثر باشند. در حقیقت این قصه به زبان نقالی شکسته تنظیم شده. این مجموعه به گونه‌ای در نظر گرفته شده که قصه‌گویان با لهجه‌های گوناگون بتوانند آن طور که دوست دارند قصه‌ها را بخوانند و لحن و لهجه خاص خود قصه‌گویی را انجام دهند. نویسنده با بهره‌گیری از زبان نقالی سالم این امکان را پدید آورده تا کودکان با خواندن این کتاب به همراه شنیدن لذت ببرند و با بهره‌گیری از همین زبان نقالی قصه‌گویان با بهره‌گیری از هنر قصه‌گویی می‌توانند توانمندی خود را افزایش دهند و مجموعه‌ای از قصه‌ها را در اختیار داشته باشند. در عین حال به این وسیله زبان قصه‌گویی به زبان قصه‌گویان کهن نزدیک‌تر خواهد شد. در حقیقت مخاطب اصلی این کتاب قصه‌گویان و والدین هستند تا بتوانند به این وسیله ارتباط بهتری با کودکان برقرار کنند.

صبحانه به صرف چای و شقایق

مجموعه شعر «چای با طعم خدا» از عرفان نظرآهاری و تصویرگری فیروزه گل محمدی

چای با طعم خدا
عرفان نظرآهاری
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

نشر افق
قیمت: ۲۵۰۰ تومان



محمدرضا مرزوقی:

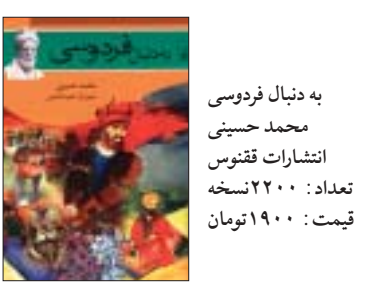
این سماور جوش است
پس چرا می‌گفتی/
دیگر این خاموشی/
است؟! باز لبخند
بز/ن قوری قلبت را/
زودتر بند بزن/ توی آن/
مهربانی دم کن/ بعد
بگذار آرام‌آرام چای
تو دم بکشد، شعله‌اش
را کم کن. . .

ترکیبی از اشعار ساده عرفان نظرآهاری و طرح‌ها و رنگ‌های ظریف و خوش‌نقش و نگار فیروزه گل محمدی و انتخاب قطعی بدیع و کمتر کتابت شده، خشتی هیجان و احساسی به دقت مهار شده و پدید آورده و در نگاه اول حساسی درخور و پرتین و البته مشتری پسند و چشم‌نواز خلق کرده است. «چای با طعم خدا» مجموعه اشعار «عرفان نظرآهاری» از سه گانه «چراغ‌های رابطه‌ای» اوست که در سال ۸۴ توسط مؤسسه نشر افق چاپ و به بازار کتاب عرضه شده است. نظرآهاری را اغلب با سبک و سیاق شاعرانه و سادگی مان‌تالش می‌شناسند. سادگی مان‌تالی عرفانی و سنگین که مجذوب رنگ و رب کلام خود نمی‌شود و همان‌قدر ساده حرشش را می‌زند که می‌اندیشد. اندیشه‌ای که از دل برخاسته و لاجرم بر دل مخاطب نیز خوش می‌نشیند. او در تمام اشعار کلام تا آن‌جا پیش می‌رود که ریتم و فرم شعر را فدای مفاهیم ذهنی‌اش می‌کند و شاکله ورنی آن را نادیده می‌گیرد و به کلام روزمره نزدیک می‌شود. تو پنداری شاعر قصد دارد حرف‌های ساده قلبش را که البته مفاهیمی عمیق‌تر در پس پشت خود دارد، با تو در میان گذارد. آنچه در این میان بیش از هر چیز خودمانی می‌کند مفهومی اساسی و همیشگی است با اسم خاص «خدا». خدایی ساده و دوست‌داشتنی که از قلب پاک و معصوم یک کودک بازیگوش بیرون پریده است و می‌تواند جاشنی چای صبحانه او شود. این که امروزه این نوع نگاه چقدر خواهان دارد و قابل باور به نظر می‌رسد موضوع بحث ما نیست. البته لازم به یادآوری نیست که از این گونه ادبی هم‌جایز کودکان‌گان خاص خود را دارد. هر چند نظرآهاری دیگر به این تبحر رسیده است که حرف‌های ساده قلبش را

یادداشت

بازسازی اسطوره بزرگ ایرانی

میترا صادقی



به دنبال فردوسی
محمد حسینی
انتشارات ققنوس
تعداد: ۲۲۰۰ نسخه
قیمت: ۱۹۰۰ تومان

اشتیاق نوجوانان به آشنایی با دنیایی متفاوت از آنچه در آن زندگی می‌کنند، رویارویی با آدم‌ها و آرا و عقایدشان و درک زندگی می‌آورند. «گرتروید بی‌هرم» معتقد است زندگی‌نامه‌هایی که به درستی و با ارزش‌های ادبی ارائه شده‌است می‌تواند سهم مهمی در انسجام شخصیت کودکان و نوجوانان و درک اجتماعی آنها داشته باشد. اگرچه سابقه نوشتن زندگی‌نامه برای کودکان و نوجوانان در آمریکا و اروپا به سده‌های هفدهم تا نوزدهم میلادی برمی‌گردد اما پرداختن به این گونه ادبی در کشور ما سابقه‌ای طولانی ندارد. و شاید فقط بتوان در سال‌های اخیر به تجربیاتی از این دست در ارتباط با زندگی‌نامه شهدا و چند تن از چهره‌های ماندگار یا مجموعه متأخر ملی، مذهبی، و یکی دو اثر دیگر اشاره کرد که عمدتاً توسط ناشران دولتی در ایران چاپ و مورد حمایت قرار گرفته است. اما کتاب به دنبال فردوسی جزء معدود زندگی‌نامه‌هایی است که برای نوجوانان توسط یک ناشر غیردولتی به چاپ رسیده است. به‌دنبال فردوسی از سلسله کتاب‌های هفت‌جلدی به‌دنبال. . . . است که توسط نشر ققنوس منتشر شده‌است. در این سلسله کتاب‌ها تلاش شده تا به زندگی شخصیت‌های ملی– مذهبی، وقایع تاریخی و داستان‌های مشهور پرداخته شود. نویسنده اثر محمد حسینی در این کتاب زندگی بزرگترین حماسه‌سرای ایرانی را ترسیم می‌کند. او دوران کودکی او می‌گوید: «معلم به پسرک نگاه کرده بود. «است حسن نبود، پسرم؟» «بله استاد، حسن ابن علی.» «علی دهقان باز؟» «بله استاد.» قدم زنان پیش‌رفته بودند.

«پدرت مرد دانشمندی است. . .»

«می‌دانم.»

حسینی در سایه گفت‌وگوهایی داستانی و روایتی صمیمی از سال‌ها تلاش و کوشش فردوسی برای خلق شاهنامه و اوضاع سیاسی آن دوره اثری جذاب و خواندنی خلق کرده‌است و توانسته خواننده را قدم به قدم با خود تا پایان اثر یعنی زمانی که تابوت فردوسی بر سر دست‌هاست و از پی‌اش فرستادگان محمود غزنوی در جست‌وجوی او هستند، به همراه ببرد. «ترسید، هدیه سلطان است به شاعر بزرگ طوس. هفتاد بار شتر طلای ناب.» مردم همچنان بی‌اعتنا می‌گذرند. «با توام زن، فردوسی را نمی‌شناسی؟» «دختر فردوسی جوابی نمی‌دهد.» فرمانده به سوی نقال می‌رود. «تو مرد نمی‌دانی کجا می‌شود پیدایش کرد؟» نقال می‌گوید: «در شاهنامه‌اش.» و به راه خود ادامه می‌دهد.

بدون شک یکی از ملاک‌های خلق یک زندگی‌نامه موفق، شخصیت‌پردازی خوب اثر است. مارگارت فلمینگ‌دوق هنری قد لازم برای نوشتن یک زندگی‌نامه خوب را با ذوق لازم برای نقاشی کردن یک چهره مقایسه می‌کند و حسینی که نویسنده‌است توانا این ذوق را در پرداخت اثر به کار برده است.

اینکه فردوسی کیست و چه کرده‌است، اطلاعات جسته، گریخته‌ای است که در تارنکی‌های فروغی است اما در کتاب به دنبال فردوسی نویسنده اثر با علم و آگاهی نوری را به زندگی او می‌تاباند که به خواننده نوجوان امکان‌می‌دهد تا در پرتو این نور آنچه را می‌خواهد ببیند و با انگیزه‌های فردوسی برای خلق شاهنامه و مشکلاتی که در مسیر او برای نوشتن وجود داشته آشنا شود.

«ابوالقاسم!»

زمزمه می‌کند: «پدرم مرد و فروماوش شد، اما یقینی با هزار بیت تا باید زنده خواهد بود.» «مهرشم می‌گوید «ابوالقاسم، نمی‌شنود. فکر می‌کند.» «درمی‌کد این طور تحقیر شده‌اند، و یادآوری بیاز دارند. اسطوره لازم دارند. باید به پادشاه آورد که مهم بوده‌اند و باز می‌توانند مهم باشند.» نکته مهم دیگری که در خلق یک زندگی‌نامه نباید از نظر دور داشت مسئولیت ویژه‌ای است که نویسنده در قبال درستی و موفق بودن شخصیت‌ها و زمان‌ها و مکان‌ها دارد. زندگی‌نامه‌نویس‌ها پیش از آنکه داستان به ماشین تحریر برود باید آماده باشند تا مآه‌ها و شاید بیشتر به مطالعه و پژوهش بپردازند. این را راستا در انتهای کتاب «به دنبال فردوسی» مجبخی با عنوان درباره کتاب آمده‌است که در آن عناصر رسا و تنظیم شده‌است. این اطلاعات دانشنامه‌ای ساده و روان‌ترن‌تری از زمان و مکان و موقعیتی که فردوسی در آن قرار داشته به خوانندگان‌اثر می‌دهد.

در پایان این مجموعه داستانی از شاهنامه با عنوان هفت‌خوان رستم به نظم و نثر آورده شده است. هفت فصل و هفت‌خوان رستم یکی از هفت‌گانه‌های نشر ققنوس است که محمد حسینی توانسته با موفقیت آن را به نوجوانان معرفی کند.